



-  ۰۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)  
۰۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)
-  شیراز / پارامونت / ابتدای  
خیابان قصردشت / کوچه ۱
-  [www.fazel.ac.ir](http://www.fazel.ac.ir)
-  [fazelshiraz](https://www.instagram.com/fazelshiraz)

# وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

آئین دادرسی مدنی

دکتر لطفی

## کلیات

۱- مقررات مربوط به سازمان قضاوتی ..... قانون لاحق در این مقررات عطف به ماسبق ..... و قانون لاحق در مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق ..... [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) تکمیلی است / می شود / نمی شود.

(۲) آمره است / می شود / می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

(۳) تکمیلی است / می شود / می شود.

(۴) آمره است / نمی شود / می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

۲- در خصوص قانون حاکم بر دلایل به ترتیب در مورد، [۴۲۲۷۱۰۰۰] صلح، ضمان عقدی، اتلاف و طلاق کدام گزینه صحیح می باشد؟

(۱) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۲) زمان طرح دعوی صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۳) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان انعقاد قرارداد اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۴) زمان طرح دعوی صلح / زمان طرح دعوی ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

۳- دادگاه در دعوی اعلام بی اعتباری سند و در مقام بررسی ذی نفعی خواهان:

(۱) بدواً وجود نفع برای خواهان را مورد بررسی قرار می دهد.

(۲) بدواً اعتبار سند را مورد بررسی قرار می دهد.

(۳) بدواً ادعای خواهان را مورد بررسی قرار می دهد.

(۴) بدواً از مرجع صادر کننده ی سند استعلام می نماید.

۴- در خصوص دعوی مطالبه مال ناشی از قمار ..... صادر می گردد. [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) قرار عدم استماع / قرار عدم استماع

(۲) قرار رد دادخواست / قرار عدم استماع

(۳) قرار عدم استماع / حکم به محکومیت خوانده

(۴) قرار عدم استماع / قرار ابطال دادخواست

۵- کدامیک از موارد زیر استثناعات قاعده فراغ دادرسی نیست؟

(۱) رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی

(۲) صدور قرار تأمین خواسته

(۳) واخواهی

(۴) هیچکدام

۶- تغییر مفاد حکم یا جلوگیری از اجرای حکم ..... [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) توسط دادگاه صادر کنند حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون تعیین نموده است و نیز با توافق محکوم له ممکن است اجرای آن به تاخیر بیفتد.

(۲) توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون تعیین نموده است.

(۳) توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون معین نموده است و نیز با توافق محکوم له ممکن است مفاد حکم تغییر یابد.

(۴) فقط توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر ممکن است.

۷- کدام یک می تواند استثنایی بر قاعده منع رسیدگی ابتدای به یک دعوی در مرحله تجدیدنظر باشد؟

(۱) جلب ثالث و دعوی متقابل

(۲) ورود ثالث، جلب ثالث و دعوی متقابل

(۳) ورود ثالث و جلب ثالث و ورود ثالث

۸- اگر قاضی مجتهد باشد و قانون حاکم بر قضیه را خلاف شرع بداند، در مورد پرونده چه تصمیمی گرفته می شود؟

- ۱) قاضی طبق نظر خود به پرونده رسیدگی می کند.
- ۲) پرونده با صدور یک قرار شبه قاطع بایگانی می شود.
- ۳) پرونده با صدور قرار امتناع از رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع می گردد.
- ۴) پرونده برای رسیدگی به مرجع بالاتر ارجاع می گردد.

## باب اول: در صلاحیت دادگاه ها

۹- دادگاه صالح در دعاوی خانوادگی و دعاوی راجع به اختراعات کدام است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) در دعاوی خانوادگی اگر زوجه خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده (زوج) و دادگاه محل سکونت خواهان (زوجه) و در دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه تهران است.
- ۲) در دعاوی خانوادگی اعم از اینکه زوجه یا زوج خواهان باشند دادگاه محل اقامت خوانده و دادگاه محل اقامت خواهان و در خصوص دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعب یا شعبه خاصی از دادگاه مرکز هر استان است.
- ۳) در دعاوی خانوادگی اگر زوجه خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده (زوج) و دادگاه محل اقامت خواهان (زوجه) و در دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه مرکز هر استان است.
- ۴) در دعاوی خانوادگی اعم از اینکه زوجه یا زوج خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده و دادگاه محل سکونت خواهان و در خصوص دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه عمومی تهران است.

۱۰- رأی صادره از اداره ثبت در دعاوی افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته قابل ..... است.

- ۱) اعتراض توسط هر یک از شرکا و اعتراض ثالث از دادگاه عمومی است و این رأی قطعی است.
- ۲) اعتراض توسط هر یک از شرکا در دادگاه عمومی است و رأی دادگاه عمومی قطعی است.
- ۳) اعتراض توسط هر یک از شرکا و اعتراض ثالث در دادگاه عمومی است که رأی دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.
- ۴) اعتراض توسط هر یک از شرکا در دادگاه عمومی است و رأی دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.

۱۱- وزارت نفت که منزل آقای مجیدی را اجاره نموده، خساراتی به ملک ایشان در خوزستان وارد میکند، درخصوص تعیین میزان خسارات وارده بر ملک، کدام یک از مراجع زیر صالح برای اقامه دعواست؟ (این سوال حذف شده است.)

- ۱) دادگاه عمومی محل وقوع ملک
- ۲) دیوان عدالت اداری
- ۳) شورای حل اختلاف محل وقوع ملک و دیوان عدالت اداری
- ۴) دادگاه محل دفتر وزارت نفت

۱۲- درخواست افراز ملکی که طرف مقابل آن اداره دولتی است، چنانچه جریان ثبتی آن خاتمه یافته باشد یا خاتمه نیافته باشد به ترتیب در صلاحیت: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) دیوان عدالت اداری است.
- ۲) دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.
- ۳) دادگاه عمومی محل استقرار اداره ثبت، دیوان عدالت اداری است.
- ۴) اداره ثبت محل وقوع ملک، دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.

۱۳- دعاوی اعلام ورشکستگی و اقامه دعوا بر علیه تاجر در امور غیرمالی به ترتیب در صلاحیت ..... است.

- ۱) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته / دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه
- ۲) دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه / دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته
- ۳) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته یا دادگاه محلی که تاجر ورشکسته برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد / دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه
- ۴) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته یا دادگاه محلی که تاجر ورشکسته برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد / دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته

۱۴- میان امیر و نیما قرارداد مربوط به مال منقولی منعقد می شود که محل انعقاد قرارداد و محل انجام تعهد غیر از محل اقامتگاه امیر است و بعد از انعقاد قرارداد نیز امیر فوت می نماید. لذا چنانچه نیما از بابت قرارداد - فوق ادعایی داشته باشد باید در کدامیک از دادگاههای زیر اقامه دعوا کند؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

۱) دادگاه محل سکونت امیر

۲) دادگاه محل وقوع مال منقول موضوع قرارداد.

۳) دادگاه محل انعقاد قرارداد یا دادگاه موضوع انجام تعهد بنا بر انتخاب نیما

۴) دادگاه محل اقامت امیر؛ مشروط بر اینکه ترکه بین ورثه تقسیم نشده باشد.

۱۵- شخصی که ملک خود را به اداره مالیات اجاره داده است، در صدد طرح دعوای تخلیه می باشد. این دعوا در صلاحیت کدام یک از مراجع ذیل است: (این سوال حذف شده است.)

۱) دادگاه عمومی حقوقی

۲) دیوان عدالت اداری

۳) شورای حل اختلاف

۴) دیوان عالی کشور

۱۶- در خصوص رسیدگی به دعوای سند سجلی شخصی که در شیراز اقامت داشته و سند ثبت احوال او در اصفهان صادر گردیده است کدام مورد صحیح است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

۱) این دعوا مالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه اصفهان است.

۲) این دعوا غیرمالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه اصفهان است.

۳) این دعوا مالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه شیراز است.

۴) این دعوا غیرمالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه شیراز است.

۱۷- دعوای طاری دعوایی است که ..... و در دادگاهی اقامه می شود که .....

۱) با دعوای اصلی هم منشاء و مرتبط باشد / صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را دارد.

۲) با دعوای اصلی مرتبط یا هم منشاء باشد / به دعوای اصلی رسیدگی می کند.

۳) با دعوای اصلی مرتبط یا هم منشاء باشد / صلاحیت رسیدگی به دعوای طاری را دارد.

۴) با دعوای اصلی هم منشاء و مرتبط باشد / به دعوای اصلی رسیدگی می کند.

۱۸- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به در صلاحیت .....

۱) دادگاهی که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد.

۲) دادگاهی که محل اقامت مدعی اعسار است.

۳) دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادر کننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.

۴) حسب مورد دادگاه بدوی، تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور است.

۱۹- دارنده چک به کدام دادگاه یا دادگاه ها می تواند مراجعه نماید؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

۱) دادگاه محل صدور چک، دادگاه اقامتگاه خوانده

۲) دادگاه اقامتگاه خوانده، دادگاه محل استقرار بانک محال علیه

۳) دادگاه محل صدور چک، دادگاه اقامتگاه خوانده، دادگاه محل استقرار بانک محال علیه

۴) دادگاه محل صدور چک، دادگاه محل صدور گواهی عدم پرداخت

۲۰- مرجع حل اختلاف ناشی از اجرای احکام و مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داور به ترتیب .....

۱) دادگاه مجری حکم / دادگاه صادر کننده اجرائیه می باشد.

۲) دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا / دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا می باشد.

۳) دادگاه مجری حکم / داور می باشد.

۴) دادگاه صادر کننده اجرائیه / داور می باشد.

۲۱- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه صلح واقع در یک حوزه قضائی، شهرستان های یک استان، دادگاه صلح واقع در دو استان، دادگاه صلح و دادگاه حقوقی یک استان، به ترتیب حل اختلاف با کدام مرجع خواهد بود؟ (این سوال حذف شده است)

- ۱) دادگاه تجدید نظر استان / شعبه اول دادگاه تجدید نظر استانی که مرجع قضائی آن استان اولین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده / دادگاه تجدید نظر استان.
- ۲) شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان همجوار / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان / شعبه اول دادگاه تجدیدنظر شهرستان مرکز استانی که ابتدا نسبت به صلاحیت شورای واقع در آن اظهار نظر شده است.
- ۳) شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان همجوار / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی که ابتدا نسبت به صلاحیت شورای واقع در آن اظهار نظر شده است.
- ۴) دادگاه تجدید نظر استان / شعبه اول دادگاه تجدید نظر استانی که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده / دادگاه تجدید نظر استان

۲۲- اگر دعاوی خانوادگی در دادگاه عمومی بخش مطرح گردد:

- ۱) دادگاه عمومی قرار امتناع از رسیدگی صادر می کند چون دادگاه خانواده شعبه ای از دادگاه عمومی حقوقی است.
- ۲) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند در خصوص تمام دعاوی مربوط به خانواده رسیدگی نماید.
- ۳) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند نسبت به دعاوی خانوادگی رسیدگی نماید مگر در خصوص اصل نکاح و طلاق که در دادگاه خانواده شهرستان مجاور رسیدگی می شود.
- ۴) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند نسبت به دعاوی خانواده رسیدگی نماید مگر در خصوص اصل نکاح و انحلال نکاح که در دادگاه خانواده نزدیک ترین حوزه قضائی رسیدگی می شود.

۲۳- یک مرد مسیحی ایرانی دعوای طلاق بر علیه همسر مسیحی ایرانی خود که مقیم جهرم است را اقامه می نماید. به دعوای مزبور در چه مرجعی و بر اساس چه قانونی رسیدگی می گردد؟

- ۱) در دادگاه عمومی تهران و بر اساس قانون مدنی
- ۲) در دادگاه عمومی جهرم و بر اساس قانون مدنی ایران
- ۳) در دادگاه خانواده تهران و بر اساس مذهب رسمی زوجین
- ۴) در دادگاه خانواده جهرم و بر اساس مذهب رسمی زوجین

۲۴- کدام یک از گزینه های زیر در خصوص اختلاف در صلاحیت مراجع، صحیح نیست؟

- ۱) اختلاف در صلاحیت بین مراجع قضایی دادگستری با مراجع قضایی غیردادگستری، تحقق نمی یابد.
- ۲) هرگاه بین مراجع قضایی دادگستری با دیوان عدالت اداری، اختلاف در صلاحیت رخ دهد، حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.
- ۳) نظر دادگاه تجدیدنظر استان بر تمامی دادگاه های بدوی کشور در خصوص صلاحیت محلی، لازم الاتباع است.
- ۴) هرگاه پرونده اولین بار در مراجع قضایی غیر دادگستری (غیرقضایی) مطرح گردد و این مراجع خود را صلاح ندانسته و مراجع قضایی دادگستری را صالح بدانند، بایستی پرونده را بایگانی کنند.

۲۵- هیئت نظارت اداره ثبت نسبت به پرونده ای [۴۲۲۷۱۰۰۰] خود را صالح نمی داند و دادگاه عمومی را صالح می داند چه اقدامی باید صورت گیرد؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) از رسیدگی خودداری و پرونده را بایگانی می کند.
- ۲) پرونده را به مرجع صالح ارجاع می دهد.
- ۳) بدون صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی می فرستد.
- ۴) با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی می فرستد.



**فاضل**

موسسه آموزش عالی

[www.fazel.ac.ir](http://www.fazel.ac.ir)



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)

۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای

خیابان قصردشت / کوچه ۱



[www.fazel.ac.ir](http://www.fazel.ac.ir)



fazelshiraz

# وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

**پاسخنامه**

- ۱- گزینه ۲ صحیح است. مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و صلاحیت ذاتی مراجع از قوانین آمره محسوب می شوند اما مقررات مربوط به صلاحیت محلی (نسبی) مراجع، اصولاً در شمار قوانین مخیره هستند. همچنین مقررات آیین دادرسی مدنی اصولاً عطف به ماسبق می گردند مگر مقررات مربوط به صلاحیت محلی که اصولاً عطف به ما سبق نمی گردند مگر اینکه در خود این قوانین یا قوانین دیگر ترتیبی غیر از این مقرر شود و یا زمانی که قانون لاحق مغایر با حقوق مکتسبه اشخاص باشد.
- ۲- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛ دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا قراردادهای اقامه می شود تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده و مطابق ماده ۱۹۶ قانون مزبور، دلایل وقایع حقوقی از قبیل اتلاف، ضمان قهری و نسب تابع قانونی است که در زمان طرح دعوا مجری می باشد. بنابراین نظر به اینکه در ما نحن فیه (صلح، ضمان عقدی و ایقاع طلاق) در زمره ی قراردادهای و ایقاعات بوده و اتلاف از موارد ضمان قهری محسوب می شود، گزینه ی «۱» پاسخ صحیح می باشد.
- ۳- گزینه ۱ صحیح است. در بررسی دعوی خواهان دادگاه بدو نفع خواهان را مورد بررسی قرار می دهد سپس حق اصلی مورد توجه قرار می گیرد. (دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست، ش ۵۰۷)
- ۴- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۶. ق.آ.د.م و ۶۵۴ ق.م.
- ۵- گزینه ۴ صحیح است. از جمله استثنائات قاعده ی فراغ دادرسی: واخواهی، اعتراض ثالث، اعاده دادرسی و صدور قرارهای تأمین و حل اختلاف ناشی از اجرای حکم مانند رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.ا.ا.م و تصحیح موارد سهو قلم، رفع اجمال و ابهام از رأی صادره، شیوه های عدولی شکایت از رأی است.
- ۶- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۸ ق.آ.د.م و نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۰۵ قوه قضائیه و ماده ۲۴ ق.ا.ا.م
- ۷- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ که ورود ثالث و جلب ثالث را در مرحله تجدیدنظر مجاز دانسته است.
- ۸- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۳ ق.آ.د.م. همچنین لازم به ذکر است قرار امتناع از رسیدگی و قرار عدم صلاحیت در زمره قرارهای شبه قاطع هستند که موجب تغییر در مرجع رسیدگی می شود.
- ۹- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۲ ق.ح.خ- همچنین ماده ۱۷۹ آئین نامه ثبت اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری که مقرر می دارد: «کلیه ی دعاوی ناشی از اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری در شعب تخصصی دادگاه عمومی تهران رسیدگی می شود.»
- ۱۰- گزینه ۴ صحیح است. براساس ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع تصمیم مسئول واحد ثبتی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه عمومی محل وقوع ملک قابل اعتراض و حکم دادگاه صالح نیز قابل تجدیدنظرخواهی می باشد. (دکتر شمس ج، ش ۹۹)
- رای دادگاه در مورد افراز ملک ثبت نشده و رای دادگاه در صورت اعتراض شرکا به افراز توسط اداره ثبت قابل اعتراض شخص ثالث می باشد ولی رای صادره از اداره ثبت قابلیت اعتراض ثالث را ندارد. (دکتر شمس ج ۲، ش ۱۰۲۰)
- ۱۱- گزینه ۱ صحیح است. طرح پرونده در مراجع اداری مستلزم چند شرط است: ۱- خواننده دعوا دولت یا یکی از مراجع پیش بینی شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴/۴/۱۹ باشد- ۲- خواهان دعوا غیردولتی باشد یا به تعبیر دیگر شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد- ۳- دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد.
- دولت وقتی در مقام اعمال حاکمیت است که وظایف خاص مربوط به خود انجام می-دهد و با اشخاص رابطه ای نابرابر دارند (به عنوان مثال اخذ مالیات یا اقدام به صدور پروانه) اما در مانحن فیه دولت (وزارت نفت) با شخص رابطه برابر دارد و در مقام اعمال تصدی است در نتیجه موضوع در صلاحیت ذاتی دادگاه (مراجع قضایی) می باشد و از حیث صلاحیت محلی با عنایت به اینکه مطالبه خسارت نیاز به نظر کارشناس دارد لذا دادگاه محل وقوع مال صالح به رسیدگی می باشد.
- نکته تکمیلی: با توجه به تبصره ی ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲؛ با صدور رأی دیوان عدالت بر وقوع تخلف (تقصیر واحد یا شخص طرف شکایت) حسب مورد محرز می گردد که این رأی دلیل وقوع تخلف طرف شکایت یعنی تقصیر اوست و نه تنها تقصیر بلکه اصل ورود خسارت نیز احراز می گردد لکن احراز وجود رابطه ی سببیت بین تقصیر (تخلف خواننده) و خسارت و نیز تعیین میزان خسارت مستلزم رسیدگی قضایی و در صلاحیت مراجع قضایی بوده و از صلاحیت دیوان خارج است. (این سوال حذف شده است.)
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است. در قانون افراز و فروش املاک مشاع آئین نامه آن هیچ گونه تفکیکی میان املاک دولتی و غیردولتی صورت نگرفته است. و افراز املاکی که جریان ثبتی آن خاتمه نیافته در صلاحیت دادگاه عمومی محل وقوع ملک است و افراز املاکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته است در صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک است جز در استثنائات ذیل که باید در دادگاه مطرح شود :
- الف- اگر بین شرکا شخص محجور باشد.
- ب- اگر بین شرکا شخص غائب باشد.
- ج- اگر راجع به مالکیت اختلاف باشد.
- د- تقسیم ترکه (اعم از منقول و غیرمنقول) در صلاحیت دادگاه است نه اداره ثبت. رای وحدت رویه ۷۱۹
- ۱۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۲۱ ق.آ.د.م دعوی اعلام ورشکستگی که توسط تاجر دادستان یا طلبکاران قابل طرح است در دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته و اگر در ایران اقامت نداشته باشد در دادگاهی که برای معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد اقامه می گردد. ولی در خصوص دعوا علیه تاجر باید قائل به تفکیک شد که اگر دعوا در مورد امور غیرمالی باشد به طرفیت تاجر ورشکسته و در محل اقامت وی مطرح می گردد و در امور مالی به طرفیت مدیر تصفیه اقامه می گردد که اگر امور مالی منقول باشد در صلاحیت دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه و اگر غیرمنقول باشد در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک می باشد.
- ۱۴- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۲۰ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی. در فرض این سوال بین متوفی و خواهان قراردادی منعقد شده است که مربوط به مال منقول می باشد و محل انعقاد قرارداد و محل انجام تعهد محلی غیر از محل اقامتگاه متوفی است؛ خواهان صرفاً می تواند در محل اقامت متوفی طرح دعوا کند و نمی تواند به استناد ماده ۱۳ قانون مزبور به دادگاه محل انعقاد قرارداد یا

دادگاه محل انجام تعهد رجوع کند بعلاوه لازم به ذکر است اجرای ماده ی ۲۰ ق.آ.د.م تا زمانی ممکن است که ترکه بین وراث تقسیم نشده باشد.

۱۵- **گزینه ۱ صحیح است.** صدور دستور تخلیه و حکم تخلیه در صلاحیت شورای حل اختلاف است مگر موضوع متضمن حق کسب و پیشه یا سرفقلى باشد و یا طرف دعوا شخص حقوقی دولتی باشد در این صورت از صلاحیت شورا خارج است. (بند ۴ ماده ۱۲ و بند ۴ ماده ۱۱ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۴۰۲) (این سوال حذف شده است.)

۱۶- **گزینه ۴ صحیح است.** از آن جا که رسیدگی به دعوی سند سجلی مستقیماً به حقوق مالی منجر نمی شود لذا دعوی غیر مالی محسوب شده و از طرفی چون رسیدگی به دعوی راجع به سند ثبت احوال، اگر محل صدور سند و محل اقامت خواهان هر دو در ایران باشد دادگاه محل اقامت خواهان صالح است. لذا چون سند در اصفهان صادر ولی خواهان مقیم شیراز است، دادگاه محل اقامت خواهان (شیراز) صالح برای رسیدگی می باشد.

رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان بعمل می آید و رأی دادگاه فقط پژوهش پذیر است.

۱۷- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۱۷ دعوی طاری صرفاً عدول از صلاحیت محلی است و در دادگاهی که به دعوی اصلی رسیدگی می کند مطرح می گردد حتی اگر صلاحیت ذاتی نداشته باشد که در این صورت با صدور قرار عدم صلاحیت دعوی طاری به دادگاه صالح ارسال می گردد.

۱۸- **گزینه ۳ صحیح است.** ماده ۱۳ ق.ن.ا.م.

۱۹- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد رای وحدت رویه ش ۶۸۸-۲۳/۳-۸۵ دادگاه صالح برای مطالبه وجه چک دادگاه محل صدور چک یا محل شعبه محال علیه یا محل اقامت صادر کننده است و در خصوص شکایت کیفری دادرسی و دادگاه محل صدور گواهی عدم پرداخت صالح است.

۲۰- **گزینه ۱ صحیح است.** ماده ۲۶ و ۲۸ ق اجرای احکام مدنی

۲۱- **گزینه ۴ صحیح است.** مطابق با تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲. (این سوال حذف شده است)

۲۲- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد تبصره ۲ ماده ۱ ق.ح.خ. در حوزه قضایی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعوی خانوادگی رسیدگی می کند، مگر دعوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی رسیدگی می شود.

۲۳- **گزینه ۴ صحیح است.** در خصوص این سوال ابتدا باید دقت داشت که بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از خانواده و اصل ۱۳ قانون اساسی به دعوی مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشيعه (زرتشتی، مسیحی و کلیمی) بر اساس مذهب رسمی شان رسیدگی می گردد. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۱۱ ق.آ.د.م رسیدگی به دعوا بر اساس قاعده صلاحیت محلی در دادگاه محل اقامتگاه خواننده (چهرم) صورت می پذیرد.

۲۴- **گزینه ۳ صحیح است.** در خصوص گزینه «۱» و گزینه «۴» باید دانست که اگر مراجع قضایی دادگستری به صلاحیت مراجع قضایی غیردادگستری (قانون از عنوان مراجع غیرقضایی استفاده کرده است)، از خود نفی صلاحیت نمایند، پرونده را باید مستقیماً به دیوان عالی کشور ارسال نمایند (ماده ۲۸ ق.آ.د.م). برعکس، هرگاه مراجع قضایی غیردادگستری، مراجع قضایی دادگستری را صالح بدانند، در این صورت پرونده را بایگانی خواهند کرد. زیرا صدور قرار عدم صلاحیت در این خصوص پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر، قرار عدم صلاحیت را مراجعی می‌توانند صادر نمایند که شروع به رسیدگی در آنها با تقدیم دادخواست باشد یا قانون صراحتاً اجازه صدور چنین قراری را داده باشد. در خصوص مراجع قضایی غیردادگستری نه چنین اجازه‌ای از سوی قانون داده شده و نه اینکه شروع به رسیدگی در این مراجع با دادخواست صورت می‌گیرد. ایراد گزینه «۳» نیز باید آن است که، نظر دادگاه تجدیدنظر هر استان در خصوص صلاحیت تنها بر دادگاه‌های همان استان آن هم تنها در خصوص صلاحیت محلی لازم الاتباع است.

۲۵- **گزینه ۱ صحیح است.** مقررات مربوط به قرار عدم صلاحیت و ارجاع پرونده به مرجع صالح در مراجع غیر دادگستری حاکم نیست.

۲۶- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۴۴ ق.آ.د.م: در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید خواهد شد.

۲۷- **گزینه ۳ صحیح است.** به موجب ماده ی ۳۹ ق.آ.د.م: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد دادگاه به موکل اخطار می کند که شخصا یا توسط وکیل جدید دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می گردد. وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفا مکلف است آن رابه اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می شود، رفع نقص بعهده ی موکل است.»

به موجب رأی وحدت رویه ش ۱۷؛ «هرگاه وکیل در اثناء محاکمه استعفا نماید پذیرش او به وکالت موقوف به ارائه وکالتنامه جدید است. به موجب ماده ی ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکلاء نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرند.» و به موجب ماده ی ۳۶ ق مذکور: «در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفا نماید باید قبلاً طوری به موکل و محاکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.»





- ۲۸- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۱۲ لایحه استقلال کانون وکلا و ماده ۹۱ ق.آ.د.م.
- ۲۹- گزینه ۳ صحیح است. به استناد مواد ۳۵ و ۳۶ ق.آ.د.م که موارد مستلزم تصریح در وکالت نامه قید شده، وکالت در دعوای اضافی و جرح گواهان و درخواست تامین خواسته، درخواست دستور موقت، افزایش خواسته، ارسال اظهارنامه و... به تصریح در وکالت نامه نیاز ندارد.
- ۳۰- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۴۰ ق.آ.د.م در صورت فوت وکیل استعفا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وکیل اگر اخذ توضیحی لازم نباشد دادرسی به تاخیر نمی افتد و اگر اخذ توضیح لازم باشد دادگاه مراتب را در صورتمجلس قید می نماید و به موکل اطلاع می دهد که شخصاً یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود و از مجموع مواد ۳۹، ۴۰ و ۴۳ این نتیجه حاصل می شود که در صورت استعفای وکیل اگر موجب تجدید جلسه نباشد دادرسی حداکثر به مدت یک ماه متوقف می شود و اگر موجب تجدید جلسه باشد فقط در صورتی دادرسی به مدت حداکثر یک ماه متوقف می شود که اخذ توضیح لازم باشد.
- ۳۱- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۴۵ ق.آ.د.م: وکیلی که در وکالتنامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ آن استعفاء و از رویت رای امتناع نماید، باید دادگاه رای را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام روز ابلاغ به وکیل یادشده محسوب است مگر اینکه موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت، از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زبانی به موکل وارد شود، وکیل مسوول می باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طورکتبی به موکل اخطار نماید که شخصاً اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید.
- ۳۲- گزینه ۳ صحیح است. به استناد مواد ۵۴، ۳۴۴ و ۳۸۳ ق.آ.د.م و دکتر شمس ج ۲ ش ۹۵ و ۳۹
- ۳۳- گزینه ۲ صحیح است. به موجب بند ۷ ماده ۵۱ دادخواست دهنده باید دادخواست را امضاء کند و در صورتی که نتواند امضاء کند، اثر انگشت او باید زیر دادخواست باشد. ضمانت اجرای چنین شرطی عدم ثبت دادخواست است زیرا چنانچه شخصی دادخواستی را بدون امضاء یا اثر انگشت تسلیم دفتر دادگاه نماید نباید آن را دادخواست شمرد بنابراین چنین برگی بی اثر بوده و ثبت آن در دفتر کل ثبت دادخواست ها قانوناً ممنوع و تخلف اداری به شمار می آید و در هر حال صدور اخطار رفع نقص یا رد فوری دادخواست قانونی نمی باشد.
- نکته تکمیلی: در هر حال چنانچه دادخواست مزبور ثبت گردد، مقام ارجاع کننده می بایست آن را ارجاع و دادگاه مرجوع البه، از طریق دفتر یا صدور اخطار استحضاری خواهان را مطلع نماید و پس از امضاء خواهان آثار دادخواست از زمان تقدیم آن ملاک قرار می گیرد.
- ۳۴- گزینه ۲ صحیح است. در دو دعوی برای استناد به شهادت شهود باید استشهادیه کتبی به دادخواست ضمیمه شود ۱- دعوای اعسار از هزینه دادرسی ۲- دعوای اعسار از تأدیه محکوم به
- ۳۵- گزینه ۲ صحیح است. در صورتی که افراد موضوع ماده ۵۲ ق.آ.د.م به اعتبار روابط خصوصی خود فارغ از عنوان خویش یا دیگری دچار اختلاف بوده و اقدام به تقدیم دادخواست نمایند لازم نیست در دادخواست به عنوان یا سمت خود اشاره کنند زیرا دادخواست صرفنظر از عنوان آنها به دادگاه تقدیم شده است هر چند سبب اختلاف بین او و شرکت سمت وی بوده باشد.
- ۳۶- گزینه ۲ صحیح است. به استناد بند ۳ ماده ۶۲ ق.آ.د.م در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفاء و یا پرداخت شود، بهای خواسته اصولاً و نه همواره عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی است که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند و زمانی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام العمر باشد بهای خواسته مساوی با حاصل جمع منافع ده ساله یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.
- ۳۷- گزینه ۱ صحیح است. اعتراض به بهای خواسته با جمع سه شرط ممکن است؛ ۱- اعتراض باید تا اولین جلسه دادرسی بعمل آید. ۲- اعتراض باید مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد. ۳- اعلام بهای مورد نظر خواننده (حداقل تعیین کننده مراحل بعدی) بنابراین در سؤال فوق به جهت آنکه خواسته بیش از چهل میلیون ریال تقویم شده اعتراض به بهای خواسته غیرقابل رسیدگی است.
- ۳۸- گزینه ۴ صحیح است. به استناد تبصره ۱ ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف؛ شورا باید رأساً یا با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین نماید.
- ۳۹- گزینه ۳ صحیح است. در صورتی که با کاهش خواسته، موضوع از صلاحیت دادگاه خارج و به شورا محول شود دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر نمی کند و خود به رسیدگی ادامه می دهد.
- ۴۰- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۶۳ ق.آ.د.م: «چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.» از آنجا که ماده ۱ مزبور جمله خبری در مقام انشاء بوده لذا دادگاه مکلف است قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین کند. (حکم تکلیفی و خوب) نه اینکه مختار باشد مضافاً اینکه با توجه به نص ماده مارالذکر، دادگاه باید قبل از شروع به رسیدگی نسبت به تعیین بهای خواسته اقدام نماید نه حین رسیدگی.
- ۴۱- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۶۱ ق.آ.د.م و بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن.
- ۴۲- گزینه ۱ صحیح است. چنانچه خواسته دعوا وجه رایج ایران باشد برای مثال ضرر و زیان، دین، اجرت المثل و ... به ریال قید شده باشد تقویم آن موضوعاً منتفی است و درج مبلغ مورد تقاضا کفایت می کند و اعتراض به بهای خواسته دفاع به معنای اخص تلقی می شود. دکتر شمس ج ۲، ش ۵۱ و ماده ۶۲ ق.آ.د.م
- ۴۳- گزینه ۱ صحیح است. اعتراض خواننده به بهای خواسته فقط مواردی ممکن است که تعیین ها بهاء به اراده خواهان بوده و تا اولین جلسه رسیدگی مطرح شده و باید مؤثر در مراحل رسیدگی باشد (تجدیدنظرخواهی و عند الاقتضا فرجام خواهی) این اعتراض مقید

بوده و با ذکر بهای اعلامی توسط خواننده صورت می گیرد با **جمع شرایط** پیش گفته دادگاه قرار کارشناسی صادر می کند و پرداخت دستمزد کارشناس به عهده خواننده می باشد چنانچه خواننده که معترض محسوب می شود ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ پرداخت ننماید براساس ماده ۲۵۹ ق.آ.د.م کارشناسی از عداد دلایل او خارج و با فقد دلیل دیگر اعتراض او به بهای خواسته بی اثر تلقی می گردد. دکتر شمس ج ۲، ش ۶۳

۴۴- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد بند ۱ ماده ۵۳ و ماده ۵۶ ق.آ.د.م. ضمناً جهت مطالعه تطبیقی در بحث تجدیدنظر و فرجام خواهی به مواد ۳۴۴ و ۳۸۴ مراجعه گردد. توجه داشته باشید که اگر چه مطابق نظر دکتر شمس قرار رد فوری دادخواست صادره از سوی مدیر دفتر گرچه به موجب ماده ۵۶ قابل اعتراض نیست ولی با وحدت ملاک از مواد ۳۴۴ و ۳۸۴ باید به مدت ۱۰ روز به دیوار دادگاه الصاق شود و مدعی می تواند ظرف ده روز از تاریخ الصاق به این قرار اعتراض نماید اما چون آزمون وکالت نص محور است و ماده ۵۶ قرار رد فوری را قابل اعتراض ندانسته است، فلذا این قرار قابل اعتراض نمی باشد. بدیهی است اگر خواهان ظرف ۲ روز و قبل از صدور قرار رد دادخواست به دفتر دادگاه مراجعه نماید می تواند نسبت به تکمیل دادخواست اقدام کند. (دکتر شمس ج ۲، ش ۳۸)

۴۵- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۵۳ ق.آ.د.م و توجه داشته باشید که ماده ۱۰۵ ق. مذکور ناظر به فرضی است که خواننده در جریان دادرسی فوت نماید که در این صورت دادرسی توقیف می گردد تا دعوا به طرفیت ورثه ادامه یابد. اما در فرضی که حین تقدیم دادخواست خواننده فوت نموده باشد قرار عدم استماع صادر می گردد.

۴۶- **گزینه ۳ صحیح است.** در ارتباط با ذکر ادله در دادخواست آنچه مربوط به دفتر دادگاه و موجب صدور اخطار رفع نقص می باشد عدم ذکر مشخصات گواهانی است که گواهی آن ها مورد استناد قرار گرفته در دادخواست می باشد والا استناد یا عدم استناد به این دلیل یا آن وسیله در حیطه اختیار خواهان و نهایتاً واجد آثار ماهوی بوده و از محدوده وظایف دفتر دادگاه خارج است. البته اگر خواهان اسنادی را مورد استناد قرار داده باشد، باید آنها را ارائه نماید، در غیر این صورت با اخطار رفع نقص مواجه خواهد گردید. دکتر شمس ج ۲، ش ۷۶

۴۷- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد مواد ۵۷ و ۵۸ ق.آ.د.م.

۴۸- **گزینه ۲ صحیح است.** صحیح نبودن آدرس دوم کاشف از این است که خواهان نقیصه را مرتفع نساخته است.

۴۹- **گزینه ۴ صحیح است.** ابلاغ اوراق در اقامتگاه قراردادی در هر صورت معتبر است ولو اینکه مخاطب از آنجا تغییر مکان داده باشد.

۵۰- **گزینه ۴ صحیح است.** رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، ج ۲، ش ۱۴۷

۵۱- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۷۵ و تبصره ذیل آن و ماده ۷۶ ق.آ.د.م.

توجه نمایند در مورد اشخاص حقوقی خصوصی ابلاغ به مسئول دفتر موسسه ابلاغ قانونی محسوب می گردد.

۵۲- **گزینه ۲ صحیح است.** ماده ۷۳ ق.آ.د.م.

۵۳- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد مواد ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۳ و ۷۵ و ۷۶ ق.آ.د.م.

توجه داشته باشید که ابلاغ به همسایه ابلاغ محسوب نمی شود و در خصوص کارمندان ابلاغ به رئیس کارمند یا کارگزینی نیز ابلاغ محسوب نمی گردد و در این صورت رئیس کارمند یا کارگزینی خود مأمور ابلاغ محسوب می گردند.

۵۴- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۷۳ ق.آ.د.م و ماده ۸ ق.ح.خ

۵۵- **گزینه ۱ صحیح است.** در مورد اشخاص حقوقی ابلاغ به کارگزینی و دبیرخانه ابلاغ محسوب نمی گردد. در مورد اشخاص حقوقی چون منشی و نگهبان خادم شخص حقوقی محسوب می شوند نه خادم مدیر شرکت یا قائم مقام یا دارنده حق امضا، پس ابلاغ صحیح نمی باشد ولی در مورد ابلاغ به منشی یا نگهبان شخصی حقیقی چون خادم شخصی حقیقی محسوب می شوند ابلاغ صحیح و قانونی است.

۵۶- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد مواد ۷۴ و ۷۶ ق.آ.د.م.

۵۷- **گزینه ۱ صحیح است.** در صورتی که دادگاه ایراد امر مختوم را وارد بداند قرار رد دعوا صادر می کند.

به موجب قانون در سه مورد ممکن است دادگاه قرار امتناع از رسیدگی صادر کند؛ ۱- دادگاه در صورت پذیرش ایراد امر مطروح با صدور قرار امتناع از رسیدگی حسب مورد چنانچه دعوی در یک دادگاه مطرح باشد به همه ی آنها یک جا رسیدگی می کند و اگر دعوی در شعبه دیگری از همین دادگاه مطرح باشد از رسیدگی به دعوا خودداری و پرونده با تعیین رئیس شعبه اول برای رسیدگی توأم به شعبه ای که دعوا در آن مطرح است احاله می شود (مواد ۸۹ و ۱۰۳ ق.آ.د.م)

۲- به دلالت ماده ی ۹۲ ق.آ.د.م هرگاه ایراد رد دادرسی مطرح شود و دادگاه جهت رد را احراز کند با ذکر جهت قرار امتناع از رسیدگی صادر و رسیدگی را به دادرسی یا دادرسان دیگر دادگاه واگذار می نماید.

۳- همچنین در صورتی که قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده را با صدور قرار امتناع از رسیدگی به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد نمود. (تبصره ماده ی ۳ ق.آ.د.م)

۵۸- **گزینه ۱ صحیح است.** طبق بند ۷ ماده ۸۴ ق.آ.د.م، اگر دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض خواننده می تواند ایراد عدم ترتب آثار قانونی به دعوا را مطرح کند و چنانچه دادگاه ایراد وی را صحیح تشخیص دهد قرار رد دعوا صادر می کند. بنابراین در تمام مواردی که دادگاه تشخیص دهد، حتی در صورت احراز موضوع مورد ادعای خواهان، اثر مورد نظر خواهان بر آن موضوع قانوناً مترتب نمی شود، این ایراد را باید بپذیرد، مانند اینکه (الف) علیه (ب) اقامه دعوا کند و ادعا کند دین (ب) را به (ج)، بدون اذن او پرداخته و مطالبه ی وجه پرداختی را نماید، چون به موجب ماده ۲۶۷ قانون مدنی، حتی اگر پرداخت دین (موضوع مورد ادعا) هم احراز شود، بر این موضوع، به علت نبودن اذن، اثر مورد نظر خواهان (تکلیف خواننده به پرداخت) بر آن مترتب نمی شود، دادگاه قرار رد (عدم استماع) دعوا صادر می نماید.

